

بیانیه

کنفرانس بین الملل سوسیالیست در زیمر والد^۱

ترجمه از ناسو فولادی

پرولتاریای اروپا!

این جنگ بیش از یک سال طول کشیده. میلیون ها جسد جبهه های نبرد را پوشانده است. میلیون ها انسان برای باقی مانده عمرشان معلول وزمین گیر شده اند. اروپا شبیه کشتارگاه عظیم انسانی است. تمام تمدن خلق شده توسط کار نسل های بسیار، محکوم به زوال و نابودی گشته است. امروزه بربریت بسیار ددمنشانه ای پیروزی اش را بر فراز آنچه تا بحال افتخار و سربلندی بشریت را ساخته، جشن می گیرد.

صرفنظر از حقیقت مسئولیت مستقیم برای آغاز جنگ، یک نکته قطعی است و آن اینست که جنگی که این آشوب را بپا کرده، ثمره و برآیند امپریالیسم و نتیجه تلاش های طبقه سرمایه دار هر ملتی در پروراندن آز وطمع شان برای کسب سود از طریق استثمار کار انسانی و منابع طبیعی سراسر کره خاکی است.

ملت های به لحاظ اقتصادی عقب مانده و از جهت سیاسی ضعیف تحت انقیاد قدرت های بزرگی اند که (در این جنگ) برای مشخص کردن نقشه جهان با آهن و خون براساس منافع استثمارگرانه شان درتکاپواند. بنابراین همه ملل وکشورها نظیر بلژیک، لهستان، دولت های منطقه بالکان و ارمنستان با سرنوشت تجزیه ودرهم شکسته شدن ویا پیوست شدن (کامل یا بخشا) به عنوان غرامت در بازی تلافی و جبران تهدید می شوند.

در جریان این جنگ ها، نیروهای پیش برنده آن همراه با تمام زشتی و رذالت شان برملا شده اند. ذره ذره حجاب وپرده معنای این فاجعه جهانی که از آگاهی مردم پنهان شده بود برمی افتد. سرمایه داران تمام کشورها که با ریختن خون مردم در جنگ سودبخش طلای سرخ ضرب می زنند، اعلام می کنند که این جنگ برای دفاع ازوطن، دموکراسی و رهایی ملل ستمدیده است! آنها دروغ می گویند، واقعیت بالفعل

^۱ بیانیه کنفرانس سوسیالیست های ضد جنگ که از ۵ تا ۸ سپتامبر ۱۹۱۵ در زیمروالد سویس برگزار شد. کنفرانس مسئولیت نوشتن بیانیه را به لئون تروتسکی و رابرت گریم واگذار کرد. متن نهایی تصویب شده توسط کنفرانس کم و بیش همان طرح اولیه تروتسکی است. ترجمه از متن انگلیسی از آرشیو اینترنتی مارکسیزم - <https://www.marxists.org/history/international/social-democracy/zimmerwald/manifesto-1915.htm>

اینست که آنها آزادی مردمانشان همراه با استقلال دیگر ملت ها را در مکان های ویرانی و نابودی دفن می کنند.

زنجیر های جدید، بند های نو، هزینه های تازه ای ایجاد شده اند و این پرولتاریای همه کشور ها (چه پیروز و چه مغلوب) است که آنها را به دوش می کشد. رشد و پیشرفت سطح رفاه و آسایش در آغاز فاجعه جنگ وعده داده شده بود ولی نتایج واقعی، نداری و محرومیت، بیکاری و قیمت های گزاف، سوء تغذیه و بیماری های مسری اند. هزینه های جنگ بهترین انرژی و توان مردم را برای دهه ها مصرف می کند و موفقیت رفرم های اجتماعی را به مخاطره می اندازد و از هر قدم روبه جلوی جلوگیری می کند. نابودی و ویرانی فرهنگی، انحطاط اقتصادی و ارتجاع سیاسی، اینها ثمرات این تضاد وحشتناک میان ملت هاست. این جنگ چهره عریان سرمایه داری مدرن را که نه تنها با منافع توده های کارگر و زحمت کش و نیاز به پیشرفت تاریخی و همچنین با شرایط ابتدایی روابط انسانی آشتی ناپذیر شده را برملا افشا می کند.

قدرت های حاکم جوامع سرمایه داری که سرنوشت ملت ها را در دست دارند، چه حکومت های پادشاهی و چه جمهوری، دیپلماسی مخفیانه، سازمان های تجاری قدرتمند، احزاب بورژوازی، مطبوعات سرمایه داران، کلیسا - تمام اینها وزن کامل مسئولیت این جنگ را برعهده دارند. جنگی که منتج از نظم اجتماعی است که به آنها میدان داده و بوسیله آنها حمایت می شود و برای منافع آنها ایجاد شده است.

کارگران!

استثمار شدگان، محرومان از حق انتخاب، تحقیر شدگان، هنگام وقوع جنگ زمانیکه قرار بود برای مرگ به مسلخ برده شوید، آنها شما را برادر و رفیق می خواندند و اکنون که جنگ طلبی و نظامیگری زمین گیر، نا توان و معلول، خوار و نابودتان کرده، حاکمان در خواست می کنند که شما از منافع تان، از آرزوهایتان و از اهداف تان صرف نظر کنید، خلاصه اینکه فرمانبرداری زبانونه برای صلح داخلی. آنها امکان بیان دیدگاه ها، احساسات و دردهایتان را از شما ربودند و شما را از اعلام و دفاع از مطالباتتان منع کردند. دهان مطبوعات را بستند و حقوق و آزادی های سیاسی را زیر پا گذاشتند - و این راه و روشی است که اکنون دیکتاتوری نظامی با دستان آهنین حکم رانی می کند.

شرایطی که آینده تمام اروپا و نیز بشریت را تهدید می کند نمی تواند و نباید بیش از این با بی عملی ما روبه رو شود. پرولتاریای سوسیالیست نبردی را بر علیه میلیتاریسم برای ده ها سال براه انداخته است. با افزایش نگرانی، نمایندگان شان در کنگره های ملی و بین المللی خود را با خطر ویرانگر تر جنگی که از دل

امپریالیسم در حال شکل گیری است در گیر کرده اند. در اشتوتگارت، کپنهاگ، بازل. و کنگره های بین الملل سوسیالیست راهی که پرولتاریا باید دنبال کند مشخص شده است.

از هنگام شروع جنگ احزاب سوسیالیست و سازمان های کارگری مختلف که به تعیین این خطوط کمک کرده بودند، وظایف و الزامات پیروی از این مسیر را نادیده گرفته اند و نمایندگانشان طبقه کارگر را برای ترک مبارزه طبقاتی، این تنها روش موثروممکن برای رهایی پرولتاریا، فرا خوانده اند. آنان برای به راه انداختن جنگ به طبقات حاکم اعتبار بخشیده اند و خودشان را برای خدمات متنوع تری در اختیار دولت ها قرار داده اند؛ و از طریق نشریات و پیام آورانسان تلاش کرده اند بی طرفان را به سیاست های حکومتی کشورهایشان جلب کرده و وزرای سوسیالیست را به عنوان گروگان برای حفاظت از صلح داخلی به حکومت هایشان واگذار کرده اند و در نتیجه در مقابل طبقه کارگر، در مقابل اکنون و نیز آینده آن، مسئولیت این جنگ و اهداف و روش هایش را برعهده دارند. و درست همانند احزاب منفرد، بالاترین هیات نمایندگان منصوب شده ی تمام کشورها یعنی دفتر بین الملل سوسیالیستی نیز به پرولتاریا پشت کرده است.

این اتفاقات به همان اندازه نیز پاسخگو و مسئول این حقایق است که طبقه کارگر بین المللی که تسلیم وحشت و هراس ملی در دوره اول جنگ نشده یا خود را از آن رها ساخته، هنوز در دومین سال کشتار مردم راه و ابزاری برای نبردی پر توان در جهت صلح همزمان در تمام کشورها را پیدا نکرده است.

در این وضعیت غیر قابل تحمل، ما نمایندگان احزاب سوسیالیست، اتحادیه ها و اقلیت هایشان، ما آلمانی ها، فرانسوی ها، ایتالیایی ها، روسی ها، لهستانی ها، لیتوانیایی ها، رومانیایی ها، بلژیکی ها، سوئدی ها، نروژی ها، هلندی ها و سویسی ها، یعنی کسانی که با طبقات استثمارگر بر زمین وحدت و همبستگی نیستاده اند بلکه بر زمین همبستگی بین المللی پرولتاریا و نبرد طبقاتی موضع گرفته اند، برای بازگره زدن ریسمان پاره شده روابط بین المللی و فراخوان طبقه کارگر برای بازیابی خویش و برای مبارزه جهت صلح گرد هم آمده ایم.

این نبرد جنگی برای آزادی و صلح و آشتی مردم و برای سوسیالیسم است. پایان دادن به این جنگ برای صلح ضروری است، برای صلحی بدون الحاق یا غرامت جنگی. چنین صلحی تنها زمانی ممکن است که هر نوع فکر نقض حقوق و آزادی های ملت ها محکوم شده باشد. نه اشغال کامل کشورها و نه بخش های جدا شده از کشورها نباید منجر به الحاق خشونت آمیز شود. چه الحاق آشکار و چه پنهان و نه وابستگی و اتصال اقتصادی (با وجود) حق انتخاب سیاسی غیر قابل تحمل خواهد بود. حق تعیین سرنوشت ملت ها باید اصل پایداری در نظام روابط ملی مردم باشد.

پرولترها،

از هنگام آغاز جنگ شما انرژی و شجاعت و بردباریتان را در خدمت طبقات حاکم قرار داده اید. اکنون باید با ابزار نبرد طبقاتی سازش ناپذیر پرولتاریایی، برای هدف مقدس سوسیالیسم، برای رهایی ملت های تحت ستم و نیز طبقات در بند، از آرمان خود دفاع کنید. وظیفه و تکلیف سوسیالیست های کشورهای درگیر جنگ پایان دادن به این جنگ با تمام توان است. وظیفه و تکلیف سوسیالیست های دولت های بی طرف در این نبرد حمایت از برادرانشان بر علیه این توحش خونین با هر ابزار و وسیله موثری است. هرگز در تاریخ جهان کاری از این ضروری تر و رفیع تر نبوده و تحقق آن باید کار مشترک مان باشد. هیچ ایثاری این چنین بزرگ نیست و هیچ باری در راستای رسیدن به این هدف آنقدر سنگین نیست: رسیدن به صلح در میان مردم.

زنان و مردان کارگر! مادرها و پدرها! بیوه ها و یتیمان! مجروحان و معلولان! ما تمام شمایی را که از جنگ و بخاطر جنگ در حال رنج کشیدن اید دعوت می کنیم: فراسوی تمام مرزها، و رای تمام جبهه های نبرد متعفن و تمام روستاها و شهرهای ویران شده -

پرولتاریای تمام کشورها متحد شوید!

زیمروالد، سپتامبر ۱۹۱۵